

الْمُرْسَلِينَ ۴۰ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ ۴۱

بمرسلین \* شوید تابع آنراکه نجوید از شما اجری و هستند بهدایت \*

وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۴۲ أَمْ أَخَذُ مِنْ

وچرا من نکنم عبادت آنراکه پیدا کرد مرا و نزدش میکنید رجعت \* آیا گیرم به

دُونِهِ إِلَهًا إِنْ يُرِيدِنَ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ

جای او الهه ؟ اگر کند اراده رحمان بضرری، نکند مفاد بمن شفاعت آنها

شَيْئًا وَلَا يُنْقِدُونَ<sup>ج</sup> إِيَّايَ إِذَا الْفَى ضَلَّ مَبِينٍ<sup>د</sup> إِيَّايَ أَمَنْتُمْ

چیزی و ندهند نجاتم \* باشم آنگاه بگمراهی مبین \* من آوردم ایمان

بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونَ<sup>ط</sup> قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ<sup>ط</sup> قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي

برب شما پس بشنوید. \* گفت بشو داخل جنت. گفت ای کاش قومم

يَعْلَمُونَ<sup>ل</sup> بِمَا غَفَرْتُ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ<sup>ز</sup> وَمَا

میدانست \* که مغفرتم کرد ربی و ساخت مرا از جمله مردم مکرم \* و نه

انزلنا على قوميه من بعدة من جندي من السماء وما كنا

کردیم نازل بر قوم او از بعدآن کدام لشکری از آسمان و نباشیم

مُزْلِينَ<sup>۲۸</sup> إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَائِدُونَ<sup>۲۹</sup>

نازل کننده \* نباشد إلا انفجار واحدی پس باشند خمودشدگان \*

يُحْسِرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ

ای حسرتا بر عبادم. نیاید برایشان کدام رسولی الا باشند بروی

يَسْتَهْزِءُونَ<sup>۳۰</sup> أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ

استهزاء کنندگان \* آیا نمی بینند چقدر کردیم هلاک قبل آنها از قرنهای آنها

إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ<sup>۳۱</sup> وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ<sup>۳۲</sup> وَ

به ایشان نکنند رجعت \* و مگر کُلُّ آنها جمعاً نزد ما میشوند حاضر. \* و

آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ<sup>۳۳</sup> أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ

نشانه برای ایشان زمین مرده است. دهیم حیاتش و کنیم خارج از آن حبوبات، از آن

يَا كُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرًا

میخورند \* و ساختیم آنجا جنات از نخل ها و اعناب و دادیم جریان

فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِۦٓ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ

آنجا از چشمه ها \* تا بخورند از ثمر آن. و نکرده عمل بر آن دستهایشان.

أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحٰنَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ

چرا نمی کنند شکر \* سبحان برآنکه خلق کرد ازواج را، کُل آنچه نبات کرد

(۱) زوج بودن حیوانات، نباتات (DNA, RNA) و غیره اشکاراست.

الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۶﴾ وَإِنَّ لَهُمُ اللَّيْلُ

زمین و از نفسهای خود آنها و از آنچه ندارند علم \* و نشانه برایشان است لیل!

نَسَلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿۳۷﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا

کنیم سلخ از آن نهار را <sup>۱</sup> آنگاه مانند بتاریکی \* و شمس کند جریان بمستقر خود.

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۳۸﴾ وَالْقَمَرَ قَدْ رُنَّهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ

اینست تقدیر عزیز علیم. \* و قمر را مقدر کردیم منازلی حتی عودت

(۱) سلخ: برآوردن، کشیدن. (مسلخ: آنجا که پوست حیوانات کشیده میشود)

كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۳۹ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ

چون عرجون<sup>۱</sup> قدیم کند \* ندارد شمس اختیاری بخود تا کند دَرَکِ قمر را

وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۴۰ وَإِلَهُ لَهُمُ

و نه لیل سبقت کند برنهار. و کُلُّ در فلك میکند شنا \* ونشانه برایشان

أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ ۴۱ وَخَلَقْنَا لَهُمُ مِنْ مِثْلِهِ

که ما حمل کردیم نسل آنها را در کشتی پر بار \* وخلق کردیم برایشان بمثل آن

(۱) عرجون: برگ خشک درخت خرما که شکل حلال را میگیرد.

مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِنْ نَسَأْنُغْرِقُهُمْ فَلَا صَرِيحٌ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَدُونَ ﴿٤٤﴾

که شوند راکب\* و اگر خواهیم کنیم غرق آنها را باز نه فریاد رسی باشد آنها را و نه یابند نجات\*

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا

الا برحمتی از ما و متاعی الی مدتی\* و چون گفته شود آنها را کنید تقوا آنچه

بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ

بین دست شماست و آنچه در خلف شما تا شود بشما رحم\* مگر نیاید برایشان کدام



آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ

آیتی از آیات رب آنها الا باشند برآن اعراض کنندگان\* و چون گفته شود

لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا

آنهارا بدهید نفقه از آنچه رزق دادبشما الله، گویند کسان کافر بکسان ایماندار،

أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾

آیادهم طعام آنرا که اگر میخواست الله میداد طعامش. نیستید شما الا در گمراهی مبین\*

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ

و میگویند کی است این وعده اگر هستید صادقین \* ندارند انتظار

الْأَصْحَابُ وَالْأَصْحَابُ تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

الا انفجار واحدی، میکند اخذ آنها را و میباشند درمخاصمه \* باز نباشد استطاعت

تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ

توصیه و نه نزد اهل خود کنند رجعت \* و نفخه شود در صور آنگاه باشند

مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن

از قبرها سوی رب خود شتابان \* گویند وای بر ما، که بعث کرد ما را از

مَرْقَدِنَا سَتَّانَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كَانَتْ

مرقد ما؟ اینست آنچه وعده کرد رحمان و صادق بودند مرسلین \* نمی باشد

الْأَصْبَحَةَ وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ قَالِیَوْمَ

الا انفجار واحدی آنگاه آنها جمیعاً نزد ما میشوند حاضر \* پس امروز

لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ أَصْحَابَ

نشود ظلم بنفسی شیئی و نه داده شود جزاء الا آنچه همواره میکردید \* یقیناً اصحاب

الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى

جنت امروز در شغلها شادمانند \* آنها و ازواج آنها در سایهها بر

الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾

تختها تکیهکنان \* برایشان آنجاست هر میوه و برایشان آنچه کنند ادعا \*

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَّازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾

سلام! قولى از رب رحيم \* و عليحده شويد امروز يا ای مجرمان \*

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ

آيا نكرديم عهد بشما يا بنى آدم كه نكنيد عبادت شيطان را. يقيناً اوست بشما

عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ

دشمن مبین \* و آنکه بکنید عبادت مرا. اینست صراط مستقیم \* و البته

أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿۶۲﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ

کردگمراه از شما گروه کثیری. آیانمی توانستید کنید تعقل \* اینست جهنم

الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۶۳﴾ إِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۶۴﴾ الْيَوْمَ

که بود شمارا وعده شده \* شوید واصل آن امروز برآنکه بودید تکفیرکنندگان \* امروز

نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا

نهییم ختام بر دهن هایشان و کند تکلم بما دستهایشان و دهد شهادت پاهایشان بر آنچه

كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ

میکردند کسب \* واگر خواهیم می کنیم محو چشمهای آنها را، بکنند سبقت بصراط

فَأَنِّي يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا

مگر کجایا بند بصیرت \* واگر خواهیم می کنیم مسخ<sup>۱</sup> آنها را بر مکان آنها باز نباشد استطاعت

مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ نُعَبِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۗ أَفَلَا

که بروند و نه کنند رجعت \* و هر کرا کنیم معمر دهیم نکس<sup>۲</sup> او را در خلقت. چرانمی

(۱) مسخ: تغییر شکل. مثلاً حیوان متحرك و توانا بجسم جامد و ناتوان تبدیل میشود. (۲) نکس: برگشت به نا توانی، احتیاج و اتکاء.

يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ

کند تعقل \* و ندادیم تعلیم اورا شاعری و نمی شاید اورا. نیست این الا ذکری

وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ﴿٦٩﴾ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى

و قرآن مبین \* تا باشد نذیر هر کرا هست حیات و حق باشد قول بر

الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِ مَا يُوعَىٰ إِلَيْهِمْ آيَاتٍ أَنْعَمًا

کافران \* آیا چرانی بینند ما خلق کردیم برایشان آنچه عمل کرد دستهای ما، از مواشی،



فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا

که هستند بر آنها مالک \* و ذلیل کردیم آنها برایشان تا بر بعضی راکب شوند و از بعضی

يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا

بخورند \* و برایشان آنجاست منافع و مشارب. پس چرا نمیکنند شکر \* و کنند اتخاذ

مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهاتٌ لَّهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ

بدون الله الهه تا آنها را کنند نصرت. \* ندارند استطاعت بنصرت آنها

وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ ﴿۷۵﴾ فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ عَلَّمُوا مَا

وہستند برایشان لشکر حاضر کرده شدہ<sup>۱</sup> \* پس نکند محزونت قول آنها. ما ئیم علیم بر آنچه

يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿۷۶﴾ أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ

کند پنہان و آنچه کند اعلان \* آیا نمیکند رویت انسان، ما خلق کردیم او را از نطفہ

فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿۷۷﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ط قَالَ

باز اوست خاصم مبین \* و زند بما مثالی و فراموش کند خلقت خود را. گوید

(۱) کسانیرا کہ میپرستیدند امروز مقابل آنها لشکر حاضر میباشند.

مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ

که دهد حیات عظام را که هست پوسیده \* بگو دهد حیات آنرا آنکه داد نشأت آنرا اول

مَرَّةٍ ط وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ

بار. واوست بكل خلقت علیم \* آنکه ساخت برایشما از شجر

الْأَخْضَرَ نَارًا فَاذًا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ

سبز آتشی، کنون شما از آن می افروزید \* آیا نیست آنکه خلق کرد

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَدْرِ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ

سماوات و زمین را قادر بر آنکه کند خلق مثل آنها را؟ بلی! واوست الخلاق

الْعَلِيمُ ﴿۸۱﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۸۲﴾

الْعَلِيمُ \* یقیناً امر او، وقتی کند اراده بشیء، می گوید باو شو! می شود \*

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۸۳﴾

پس سبحان به آنکه بدست اوست پادشاهی کُل شیء و نزد او می کنید رجعت \*